خوان خوبان

جلسه شعرا با رهبر انقلاب طبق سنوات هر سال امشب در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار می‌شود، آیت‌الله خامنه‌ای سال‌هاست با حضور طیف‌های مختلف شاعران چراغ جلسات شعر را روشن نگه داشته‌اند

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

«شب غوغای جوان‌ها»، «شبی برای دیدار با ماه»، همه اینها را که جست‌وجو کنید می‌رسید به مراسمی در نیمه‌رمضان که هرساله برگزار می‌شود، برنامه‌ای که تشریفات خاصی ندارد و یک افطاری ساده است، اما هزاران چشم به همین مراسم است و خیلی‌ها منتظرند که قرعه به نام‌شان باشد تا در این مراسم داشته باشند و حتی اگر شعر نخوانند باز هم باشند؛ مراسم دیدار نیمه‌رمضان با شعرا، سالهاست که برگزار می‌شود. در این گزارش با شاعرانی صحبت کردیم که در این دیدار حضور و شعرخوانی داشته‌اند و برایمان از این شب و این دیدار گفته‌اند. به سراغ شاعران افغانستانی رفتیم که رهبر معظم انقلاب، همیشه نگاه ویژه‌ای به این شاعران داشته است. همچنین سابقه برگزاری این چنین جلسه شعرخوانی از زبان افرادی که از سال‌های قبل از انقلاب با رهبری آشنا بودند هم در بخش دیگری از این گزارش آمده است.

علاقه رهبری به پهنه شعر فارسی

محمدکاظم کاظمی
شاعر افغانستانی

سابقه برگزاری این جلسه شعرخوانی که با عنوان دیدارهای نیمه‌رمضان یا دیدار شاعران با مقام معظم رهبری شناخته می‌شود؛ به سال‌های قبل از رهبری ایشان باز می‌گردد و این نشان از علاقه ویژه رهبری به شعر و شاعران است.

اولین دیداری که من در جلساتی از این جنس شرکت کردم در نوروز سال ۱۳۶۷ بود که ایشان به مشهد تشریف آورده بودند و با وساطت بعضی از دوستانی که با دفتر ایشان ارتباط داشتند، جلسه‌ای برای شاعران خراسان در حرم رضوی(ع) برگزار شد.

از آن زمان به بعد هم این دیدارها چه در زمان ریاست‌جمهوری ایشان و چه در زمان رهبری‌شان وجود داشته که نشان‌دهنده اهمیت موضوع شعر برای ایشان است و برای همین است که از «شعر» به‌عنوان ثروت ملی و کالای ملی یاد می‌کنند؛ از طرفی ایشان است که بسیاری از مسئولان سیاسی به نقش مهم شعر در جامعه ایرانی توجه دارند یا احیانا که توجه هستند. دیدارهای شاعران با ایشان می‌تواند اهمیت و جایگاه شعر را به عنوان رشته مادر گوشزد کند.

موضوع دیگری که برایم جالب است و در همه دیدارها در خاطرم مانده، میزان وقوف و اطلاع ایشان از عناصر شعر و جوانب فنون شعر است. یعنی ایشان علاوه‌بر اینکه برای خود شعر اهمیت قائل هستند، خودشان شعرشناس خوبی هستند و در جلسات هم نقدها و نکته‌های خوبی در مورد اشعار خوانده شده، ارائه می‌کنند که بعضی مواقع بنده دیدم نسبت به بعضی از دوستان که متخصص در امر شعر هستند، هم نقد ایشان دقیق‌تر بوده است.

بنده خاطره‌ای هم دارم از دوستان شاعر ما که در وزن شعر مسلط است. در سال‌های پیش مثلا ۱۵ سال پیش در یکی از دیدارها ایشان یک وزنی ابداع کرده بود و می‌گفت این وزن از منفرعات بحر عروضی است و من که در آن جلسه بودم دیدم که نظر ایشان دقیق‌تر از همان دوستی بود که به وزن شعر مسلط بود؛ البته که تشخیص آن وزن هم دشوار بود. موضوع سوم حضور ذهن و وقوف دائمی ایشان با جریان‌های شعر است. یک وقتی است که کسی با فنون شعر به صورت قدیمی آشناست ولی با جریان شعری امروز فارسی آشنا نیست. یعنی بسیاری از مسئولان و علما و روحانیون نسبت به شعر مشروطه به این طرف، آگاهی زیادی ندارند. به خاطر اینکه تحصیلات‌شان و آشنایی‌شان با شعر مبتنی با متون قدیمی است ولی درخصوص ایشان نکته جالب این است که از شاعران دوره مشروطه و بعد شاعران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی و حتی شاعران جوانی که در سال‌های اخیر بیشتر شعر گفته‌اند، غالبا با اسم می‌شناسند و حتی اشعاری هم حفظ هستند و اشاره می‌کنند. این هم باز نکته قابل توجهی است که در مورد ارتباط ایشان با شعر دیده می‌شود. موضوع دیگری که برای بنده جالب است، علاقه ایشان به تمام پهنه شعر فارسی است و توجه خاصی که به شعر افغانستان دارند. وقتی از اولین دیدارهایی که خدمت ایشان رسیدم و شعر خواندم و گفتم از افغانستان هستم؛ ایشان گفتند من به شعر افغانستان علاقه دارم و سراغ بعضی از شاعران افغانستان را گرفتند، شاعرانی که نیم قرن پیش بودند و بنده هم خیلی اطلاعی از وضعیت آنها نداشتم، ایشان سراغ شعر آنها را گرفتند که آقای محمود فارانی متلالان در کدام کشور است؟ یا متلا در حوزه ادبیات داستانی علاقه در دیدارها وقتی صحبت می‌شد ایشان از افغانستان و از کتاب‌هایی صحبت می‌کردند که برخی از این کتاب‌ها در ایران هنوز به بازار نیامده ولی به دست ایشان رسیده است، مثل کتاب «شوکران درگین سرخ»، از حسین فخری که اصلا در ایران منتشر نشده بود ولی ایشان آن کتاب را خوانده بودند.

گویا کسی از مقاومت افغانستان برایشان اهدا کرده بود یا به‌نوعی با اسم کتاب و اسم نویسنده آشنا بودند. نکته دیگری از این دیدارها به یاد دارم این بود که یک بار که برای صحبت‌های حاشیه‌ای خدمت‌شان رسیدم؛ دیدم که نگرش و نگاه مثبت خوبی نسبت به جامعه افغانستان داشتند؛ بنده یکی دو باری که از ایشان بابت عنایتی که به تحصیل دانش‌آموزان مهاجر داشتند، تشکر کردم؛ ایشان گفتند با مردم افغانستان از قدیم حشر و نشر داشتند و حتی در زمانی که در مشهد بودند؛ بسیاری از طلبه‌های حوزه علمیه، از افغانستان بودند. وقتی که در این دیدارها شعری از افغانستان خوانده می‌شود و شاعران افغانستانی مطرح می‌شوند برای دیگر مسئولان افغانستان هم می‌تواند هدایتگر این باشد که توجه بیشتری به گستره وسیع قلمرو زبان فارسی داشته باشند.

یکی دو بار از اتفاق افتاد که حضور بنده در این جلسات چند سال فاصله افتاد یا حضور شاعران ما. مثلا در جلسات دهه ۸۰ گاهی اتفاق می‌افتاد شعر افغانستان در میان نبود که ایشان گفتند چند سال است که ما شعر شاعران افغانستان را نشنیده‌ایم به نوعی خاطره ذهنی برای ایشان بوده که از شعر افغانستان همیشه انتظار داشتند که در جلسات باشد و در بعضی مواقع هم که برخی از شاعران ما در برخی جلسات حضور داشتند و در بعضی دیگر حضور داشتند، ایشان می‌گفتند که فلان شاعر کجاست و این نشان می‌دهد که این موضوع برایشان اهمیت خاصی دارد.

هواخواه واقعی شعر

علی رکن‌الدین
شاعر

شعر معاصر را از چند چیز دوا دارم، یکی شان، کتاب‌های شعر خواهرم در قفسه‌اش بود، دیگری هم همان کلیب‌هایی که در آن سال‌ها با اینفرارد و بلوتوث، در تلفن‌های همراه دست‌به‌دست می‌شد. مثلا - فیض -را از همان بیت: مرگا به من که با پر طاووس عالمی/ یک موی گربه وطنم را عوض کنم، می‌شناختم. یا - مرحوم زرویی نصرآباد- را به: ای جماعت چطوره حالاتون؟ شناخته بودم. بعدها بیابانکی و امیری اسفندقه و ساعد باقری و برقعی و خیلی‌های دیگر را هم به‌عنوان شاعر شناختم. دقیقا وقتی که آنها را در بیست رهبری دیدم.

من آن روزها وارد جماعت شاعر نشده بودم و تصورم از دنیای شاعران همین بود. این در کنار معانی دیگرش این معنا را برای منظور من دارد که این جلسه در این سطح، یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور و به یقین مهم‌ترین شعر محور برای شعر است. در همین حال که جشنواره شعر فجر در سخت‌ترین و کم فروغ‌ترین شکل ممکن خود برگزار می‌شود.

برای من که شاعرم، شعر حیات است، اما برای عامه این مسأله چند فرای اهمیت است که هیچ حسف دیگری از هنرمندان این نوع ارتباط را ندارند و سیگار آزاد؛ در بیت رهبری تردد نمی‌کنند و یکی از دیدارهای مهم رهبری در هر سال این مراسم شعرخوانی است.

گرچه برای از شعر هستند و شعرتر! اما این مساله نمی‌تواند تأثیر زیادی در این اتفاق داشته باشد. شعر زبان مادری این مردم است و باید به این اصیل‌ترین و غنی‌ترین هنرمان افتخار کنیم و هواخواهش باشیم. آقا، حقیقتا هواخواه ادبیات و شعر است، چنانکه در هر شرایطی چه سیاسی و چه غیر از آن و با تمام مشغله‌های به ظاهر مهم‌تر، این جلسه برگزار و این اهتمام به ادبیات و نگاهبانی از فرهنگ و زبان پارسی وزریده شده است.

اینها را عرض کردم که بگویم در مواجهه دیدار شاعران با رهبری با یک اپیک اتفاق مهم روبه‌رو هستیم. البته که این رویداد مهم نیز مثل باقی، از حاشیه در نیست. برای خالی نبودن عریضه هست. اما این رویداد مهم نیز نیست. برای خالی نبودن با یک پیش فرض، جملات بعد را بخوانید. رهبری هر سال خودشان می‌گویند که من میهمان این جلسه هستم و فقط حرف دارم و نقشی در اجرا ندارم.

تا قبل از سال ۸۸، جناب باقری مدیریت جلسه را برعهده داشتند و عموما یک جماعت از شاعران با طیف فکری همسو به جلسه دعوت می‌شدند. از سال ۸۸ به بعد نیز مدیریت به جناب قزوه رسید، که این تجمع همسو با تفکر برگزار کنندگان بیشتر از پیش به چشم آمد. و در تمامی این سال‌ها حرف دوستان شاعر و غیر مسئول این بود که بگذارید تمامی صدا را شنیده شود. گویا اسرار مراسم به جناب امیری اسفندقه رسیده است. خدا کند که چنین افتد. . . .

عکس‌هایم چه می‌گویند؟

سجاد رشیدی‌پور
شاعر

نشسته‌ام وسط دو تا شاعر. حسین دهلوی از یک طرف و سید نسیم الیکا از طرف دیگر. این را این عکس می‌گوید. همین عکسی که الان جلوی چشم من است و مرا می‌برد به رمضان سال نود و چند، به چهار ردیف مانده تا رهبر انقلاب. ردیف اول مختص کسانی است که قرار است شعر بخوانند و دو ردیف بعد هم احتمالا خواص! ما هم در اولین ردیف عوام نشسته‌ایم. برای حضرت آقا اما فرقی نمی‌کند عوام باشی یا خواص. از در که وارد می‌شوند، به کوچک عوام باشی یا خواص. از در که وارد می‌شوند، به کوچک نگاه‌شان باشد از احوال پرسی‌شان بی‌نصیب نمی‌مانند. سه تایی داریم سرک می‌کشیم. از لابه‌لای سرهایی که کانون توجه‌شان یکی است. این راهنمی عکس می‌گوید. انگاری در کلاس درس معلمی نشسته‌ایم که ما را جایی میان خوب و رجالیه انداخته است. هم آرامش و مهربانی‌اش را دوست داریم و هم نکته‌سنجی و تیزبینی‌اش اجازه نمی‌دهد دست از یا خطا کنیم و اگر شوخی‌های گهگاه رهبری نبود، احتمالا نقش راهش را در سینه گم می‌کرد. خوش‌مان را با ایرانی‌ترین پذیرایی ممکن قورت می‌دهیم: «چای و قند.» و آنجا که از شعر خوب و چیدمان به وجد می‌آییم، سر تکان می‌دهیم و جایی که چهره‌ها و شعرهای تکراری - که گویی همه را از یک شابلون رد کرده‌اند - لبریز از ملال می‌شود پناه می‌بریم به خطر خطی کردن برگه یادداشت‌مان با خودکارهای ساخت وطنی که روی میزهای کوچک پذیرایی فریاد می‌زنند که حمایت از تولید ملی می‌تواند و باید از همین رفتارهای به ظاهر ساده و کوچک شروع شود.

لبخند زده‌ایم و حسابی گل از گلمان شکفته است. این راهمین عکس می‌گوید. کیفورییم از نقد فنی و نظر کارشناسانه رهبر انقلاب. خوشمان آمده که یک‌نفر رشته سر تنگان دادن‌ها که اگر امکان هست وقتی به تشرف می‌آورند، دیداری هم با شاعران مشهد داشته باشند. ایشان هم موافقت کردند و اولین جلسه در نوروز سال ۶۳ در مشهد برگزار شد و بعد هر سال ادامه داشت. البته بعدها این جلسات از مشهد به تهران منتقل شد. علاقه شخصی مقام معظم رهبری به شعر بسیار است؛ به‌طوری که این جلسات از زمان رحلت امام(ره) ادامه داشت. وقتی رهبر انقلاب یک‌سال پس از رحلت امام(ره) به مشهد آمدند، دوباره به آقای گلپایگانی گفتم که دوست داریم جلسات هرساله شاعران با مقام معظم رهبری ادامه داشته باشد و هر سال، مطابق گذشته، این جلسات برگزار شود. آقای گلپایگانی گفت که ایشان رهبر شده‌اند و سرشان خیلی شلوغ است و دیگر امکان برگزاری جلسه وجود ندارد. من احساس کردم شاید سیاست و دید مقام معظم رهبری این باشد، بنابراین هیچ اصراری نکردم. تا اینکه در همان روزها ملاقات دیگری صورت گرفت و برخی فضلای حوزه علمیه مشهد به دیدار ایشان رفته بودند. در آن دیدار ایشان چشم‌شان به من افتاد و گفتند که جلسه شاعران کی هست؟ من به ایشان عرض کردم آقا جلسه شاعران که دیگر ملاح نیست این جلسات برگزار شود و ما جلسه‌ای نخواهیم داشت. همان جا رهبر انقلاب به آقای گلپایگانی گفتند که چرا جلسه را نگذاشتید؟ رهبر انقلاب در آن دیدار فرمودند که علاقه دارند جلسه دیدار شاعران مجددا برگزار شود.»

نگاه منتقد ادبیات ما عین سیاست ماست؟

محمد شیخی
شاعر

مثل آن جایی که ارتباط شاعران و نویسندگان با دوستان سیاسی خود در طول تاریخ به حاطر تفاوت نگاه در مسائل سیاسی به تعلیق یا این بست رسیده است. در خاطره ادبیات ما این اتفاق ها به وفور نمایان است.

در تورق تاریخ می‌شود از دوستی و ارتباط عاطفی شخص روحانی با شاعران بزرگ هم عصر خود مثل مهدی اخوان ثالث و... یاد کرد، رابطه‌ای که شاید در پیچ‌های سیاسی تاریخ دچار کش وقوس‌های فراوان شده باشد اما در لابه‌لای همه این صفحات می‌توان این را مشاهده کرد که با تمام اختلاف نظرها و تفاوت سلایق، هیچ‌گاه در توصیف و تحسین کیفیت و جایگاه شعر و شاعری اخوان ذره‌ای خدشه وارد نشده است، اما چه می‌شود که سال‌ها بعد و در امروز و در شرایطی که آرامش بیشتری در فضای جامعه ادبی و سیاسی حکمفرماست، برخلاف مشی رهبری افرادی دچار ضعف در حافظه تاریخی خود می‌شوند و با خودکار فرمز بر نام و اسم و رسم شاعرانی که از آوازه چشم این افراد به مسائل نگاه نمی‌کنند خط بطلان می‌کشند؟

در تاریخ انقلاب، وقتی به عقب نگاه می‌کنیم به این می‌رسیم که یکی از عوامل موثر در تسریع فرآیند انقلاب، عدم وجود فضا برای فعالیت شاعران و نویسندگانی بود که با فشر آسیب‌پذیر جامعه همدرد بوده و اما زبان شعرشان به مذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آمد و امروز جامعه ما متاسفانه به همان بیماری در زمینه ادبیات دچار شده است.

بهانه این صحبت‌ها چیزی نیست جز مراسم هر ساله دیدار رهبری با شاعران در ماه مبارک رمضان، مراسمی که در جای خود جای تحسین و شوق دارد چراکه می‌توانست و شاید می‌تواند محفلی باشد برای استحکام بخشیدن به بدنه ادبی جامعه. می‌تواند فضایی باشد برای نشان دادن اینکه قرار نیست جون روزگار گذشته یک حرف خاص از یک‌سری دهان‌های انتخاب شده بیرون بیاید. می‌تواند سکویی باشد برای پرواز اندیشه‌های مختلف و شاید ناهمگون. یک جمع اضداد مسالمت‌آمیز می‌تواند گوشی باشد برای شنیدن نگاه‌های متفاوت افراد با زوایای جدید از جامعه و می‌تواند باعجبای باشد برای شکوفایی گل‌هایی که هر کدام رنگ و عطر و بوی خاص خود را دارد و هر کدام جایگاه و منزلت خود را. اما و چقدر این اما مزه گسی دارد.

اما همه اینها قربانی بازی سلیقه هست. برخی مسئولان که این جلسه هر ساله در نگاهی خاص که به خاطر هر شناخت تفکر شعر رهبری است، در انتخاب‌های خود آنچنان تصمیم‌های عجیبی گرفته‌اند که بارها با نقدهای جدی رهبری هم مواجه شده‌اند؛ اما گوش‌شان نه‌تنها به‌دهکار نیست، بلکه هر سال شگفتانه‌ای برایمان دارند؛ از کیفیت شعرهای خوانده شده می‌گذریم چون بحث اصلی این نوشته نیست و به موضوع انتخاب گروه شاعران برای حضور در این جلسه می‌رسیم. البته این هم موضوعی است که در این چند سال آنقدر تکرار شده است که نیازی به تکرار آن نیست و فقط باید به این اشاره کرد که اسم این جلسه را دیدار شاعران و رهبری انقلاب گذاشت؛ چراکه به تعبیری این دیدار، تنها دیدار دوستان مسئولان این جلسه با رهبری است.

این مسئولان جریان شعرهای خوانده شده را فقط پیرامون حوزه‌های کاری و مورد علاقه خود سوق می‌دهند، حتی به قیمت نزول کیفیت در مورد موضوعات اشعار هم باید این نکته را گفت که اشعار آیینی و مرثیه و... خود یک جلسه خاص و جداگانه با حضور شاعران و مداحان دارد و طبیعتا نباید تمام این جلسه دیگر را با موضوعات ارزشی و آیینی پر کرد؛ بلکه طبیعتا موضوعات آزاد و اجتماعی و چه بسا عاشقانه نیز نیاز مبرم جامعه امروز است و رهبری خود بارها نشان داده‌اند که این موضوع‌ها جدی است و باید به آنها بها داد.

در انتهای کلام اشاره می‌کنم که اگر هدف از برقراری این جلسه، تنها عرض‌اندام و ترویج سلایق شخصی عده‌ای از حضور رهبری است، باید گفت که این مهم را در بهترین حالت ممکن در حال انجام هستند و به مسئولان باید خسته نباشید گفت.

اما اگر قصد، ارائه نتایج سالانه ادبیات کشور برای رهبری و همچنین رونمایی از ادبیات و شاعران کاربلد و اشعار فاخر است، همینجا صراحتا عرض می‌کنم چون بحث اصلی این نوشته نیست و به موضوع انتخاب گروه شاعران برای حضور در این جلسه می‌رسیم. البته این هم موضوعی است که در این چند سال آنقدر تکرار شده است که نیازی به تکرار آن نیست و فقط باید به این اشاره کرد که اسم این جلسه را دیدار شاعران و رهبری انقلاب گذاشت؛ چراکه به تعبیری این دیدار، تنها دیدار دوستان مسئولان این جلسه با رهبری است.

این مسئولان جریان شعرهای خوانده شده را فقط پیرامون حوزه‌های کاری و مورد علاقه خود سوق می‌دهند، حتی به قیمت نزول کیفیت در مورد موضوعات اشعار هم باید این نکته را گفت که اشعار آیینی و مرثیه و... خود یک جلسه خاص و جداگانه با حضور شاعران و مداحان دارد و طبیعتا نباید تمام این جلسه دیگر را با موضوعات ارزشی و آیینی پر کرد؛ بلکه طبیعتا موضوعات آزاد و اجتماعی و چه بسا عاشقانه نیز نیاز مبرم جامعه امروز است و رهبری خود بارها نشان داده‌اند که این موضوع‌ها جدی است و باید به آنها بها داد.

در انتهای کلام اشاره می‌کنم که اگر هدف از برقراری این جلسه، تنها عرض‌اندام و ترویج سلایق شخصی عده‌ای از حضور رهبری است، باید گفت که این مهم را در بهترین حالت ممکن در حال انجام هستند و به مسئولان باید خسته نباشید گفت.

اما اگر قصد، ارائه نتایج سالانه ادبیات کشور برای رهبری و همچنین رونمایی از ادبیات و شاعران کاربلد و اشعار فاخر است، همینجا صراحتا عرض می‌کنم که مسئولان جلسه بیراهه‌ای را پیش گرفته‌اند. البته که تورق کتاب شاملو در نمایشگاه کتاب امسال نشانه‌ای است برای این مسئولان، اگر بیندیشند. هرچند بعید نیست که این دوستان به خاطر این عمل به رهبری نیز خرده بگیرند، درنهایت کلام را با فرمایش امیرالمومنین به پایان می‌رسانم که بارها به اصحاب خود فرموده‌اند: «أُنْظُرْ الی ما قال، و لا تَنْظُرْ الی مَنْ قال» به گفته بنگر، نه به گوینده؛ باشد که رستگار شویم.

هواخواه‌ها، زیر ذره‌بین اهل فن

حسین دهلوی
شاعر

هر ساله در روزهای سیزدهم و چهاردهم ماه مبارک رمضان، میان شاعران در جمع‌های حقیقی و مجازی، حرف از دیدار است. دیداری که به همت حوزه هنری، در شب میلاد امام حسن(ع)، به میزبانی بیت رهبری برگزار می‌شود. از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، مشخص است که امر شعر و ادبیات فارسی از دیرباز برای ایشان دغدغه‌ای اساسی به حساب می‌آید و به تاثیر شعر فارسی آقدر واقفند که همواره سخنرانی‌ها و خطبه‌هایشان از زیور ابیات شیرین فارسی خالی نیست. اشراف ایشان نیز بر شعر فارسی و مبانی ساختاری و سبک‌شناسی شعر، برای اهل فن بسیار قابل توجه است. گاه دیده شده که ایشان بینی از شاعری ناشناس را ستوده و آروی ویژگی‌های سبکی آن شعر، برای شاعر را به درستی حس زده‌اند. هرچند رهبری به‌طور مستقیم نقشی در انتخاب شاعران و اداره این دیدار ندارند، اما همین که چند ساعتی بعد از افطار را به این دیدار می‌دهند، خود نشانگر اهمیت موضوع شعر فارسی نزد ایشان است.

خصلت مهمی که دیدار شب پانزدهم ماه مبارک رمضان دارد، سادگی و صمیمیت آن است. از نماز جماعت ساده‌ای که در حیاط، روی حصیر خوانده می‌شود گرفته تا افطاری وشام ساده، فضای ساده و آراسته اتاق جلسه و... پس از نشستن شاعران در صفوف نماز جماعت، آقای خامنه‌ای می‌آیند و دقایقی پیش از اذان را به گپ‌وگفت با شاعران می‌پردازند. گروهی شعرهای دستنویس‌شان را به ایشان می‌دهند و عده‌ای دیگر کتاب‌هایشان را تقدیم می‌کنند. صمیمیت جلسه نیز امر قابل توجهی است برای تفاوت نظر دارند، شانه به شانه در کنار هم می‌نشینند.

هرچند اشعار از ماه‌ها قبل با دبیرگاهی خاص، دستخوش غربال می‌شوند و تعداد شاعران جدیدی که در جلسه، شعرشان قرائت می‌شود، همواره کمتر از تعداد چهره‌هایی است که سال‌های سال گرم شعرخوانی در این مجلس هستند، اما الحق جلسه، جلسه بها بدهد و هنرش را جدی بگیرد و احتمالا در آثار بعدی، بیشتر تامل و تفکر می‌کند و اولین منتقد شعر خود می‌شود. اما با اشاره به تمام نیکویی‌های این پدیده، آفت زمانی به شعر شاعر جوان می‌افتد که پیش از پختگی، رسیدگی و کمال، شعرش در چنین جمعی خوانده شود. در این صورت شاعر به مرتبه‌ای دست‌نمی‌یابد که کمال هنری‌اش هنوز به آن پایه نرسیده است. شاعری که در جلسه شب پانزدهم شعرش را بخواند، حتما میش از پیش دیده می‌شود و زیر ذره‌بین توقع اهل فن قرار می‌گیرد. حال علاوه‌بر ادبایی که حساسیت‌شان نسبت به این شاعر بیشتر شده است، مخاطبان کمتر متخصص نیز برای خواندن این شاعر بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند. در این صورت اگر شعر قرائت شده، بیش از یک بیت خوب نداشته باشد و همان بیت هم مورد تحسین جمع جلسه شب پانزدهم قرار بگیرد، اینجا خود شاعر است سرخیال واهی «رسیدن به قله» می‌شود، بعد از آن مخاطب نیز این شعر را یک اثر عالی می‌پندارد و برای برزمانی که از این شاعر، با در دست داشتن هر تحسین شب شعر بیت رهبری، شروع کند به شاعرپروری و نظریه‌پردازی و برگزاری شب شعر و...

شعرخوانی برای مرد باصلابت

نفیسه سادات موسوی
شاعر

برای من که در تمام سال‌های مدرسه، سال‌های دانشگاه، سفرهای خانوادگی اتوبوسی، همایش‌ها و جشن‌ها و فصل‌ها عادت داشتم به نشستن در ردیف آخر، نشستن در ردیف اول کار آسانی نبود. ولی از آن جایی که ترتیب نشستن از قبل مشخص شده بود، باید این اتفاق می‌افتاد. آن هم جلوی با ابهت‌ترین مردی که در تمام زندگی‌ام را او روبه‌رو می‌شدم. جایم این بار مثل دو دقه قبل نبود، وقتی آقا سرشان را به سمت خانم‌ها می‌چرخاندند دیگر نمی‌توانستم پشت نفر جلویی مرا قایم بشوم.

نمی‌توانستم با خیال راحت از بناوری اینکه دارم بدون واسطه‌ای به اسم تلویزیون ایشان را می‌بینم یا صدایشان را می‌شنوم گوله گوله اشک بریزم و خیالم راحت باشد. جایم طوری است که کمتر چشم یا دوربینی می‌تواند صحنه را ثبت و ضبط کند. نمی‌توانستم از استرس و هیجان نفس کشیدن در اتاقی که ایشان هم در آن نفس می‌کشید، تمام مدت پاهایم را مثل آونگ تکان بدهم، نمی‌توانستم به تاشیشه آب معدنی و یک فلاسک چایی را در دوساعت خالی کنم، نمی‌توانستم و از این همه نتوانستن سرم را چرخاندم سمتش. حواسش به شعر شنیدن بود. با همان ایهت و صلابت قبل، و به همان اندازه نورانی و آرامش‌بخش. حس کردم تمام غصه‌های زندگی‌ام در لحظه محو شدند. تمام دغدغه‌هایم، ترس‌هایم و تشویش‌هایم...

منی که فکر می‌کردم محال است بتوانم مستقیم نگاه‌شان کنم، حالا نمی‌توانستم چشم ازشان بردارم. تا آخر جلسه، گوشم به شعرا بود و چشمم به سرهایی که مثل ماه، با یک لبخند بر از آرامش و یک دستمال که چند دقیقه یک بار اشک‌هایی که قل می‌خوردند روی صورتم را خشک می‌کرد و چقدر سخت است تعریف کردن حسی که در واژه نمی‌گنجد.

بعد از تنهایی

سیده نکتم حسینی
شاعر

چهار بار برای دیدار با رهبری و در جلسه نیمه‌رمضان حضور داشتم؛ ابتدا گلایه‌ای از دوستان هموطن خودم دارم. اولا من راهبح وقت به‌عنوان یک شاعر افغانستانی نپذیرفتند. من از طریق دوستان ایرانی با انجمن افغانستان آشنا شدم؛ چون خیج فضایی برای آشنایی نداشتم. الان بالاخره پاپیام احترام قائلند. آدم وقتی وارد این فضا می‌شود دوست دارا تشویق شود. الان اگر من ۱۰ تا مخاطب داشته باشم نصف‌شان هموطن خودم هستند. قبلا اصلا شعرهای مرا نمی‌خواندند. من دریک جشنواره با حضور شاعران افغانستانی شرکت کردم که مطمئن بودم شعرهای من از اشعار دیگر شاعران آن جشنواره بهتر بود، چون خیلی به زیبایی‌شناسی شعر اهمیت می‌دهم و برایم مهم است که زبان شعر سالم باشد و هر چیزی سر جای خودش باشد. در آن برنامه به من اجازه شعرخوانی ندادند و خیلی دلم شکست. یکی از دلایلی که از فضای انجمن ها دور شدم، همین بود. اینها را می‌گویم تا زمینه‌ای باشد که حس رفتن به بیت رهبری برایم چگونه بود. از همه انجمن‌ها تقریبا یک حالت طردشدگی داشتم. الان ما می‌گفتند شعر شما زبانش زبان ایرانی است. من جدیدا سعی می‌کنم یک‌مقدار برگردم به فارسی دری و تمرین می‌کنم که از یک‌سری کلمات دور نشوم. الی طرد شدن و همچنین فضای مجازی خودش آدم را تنهاتر می‌کند. تنها بودم. یک دلگیری زیادی هم از همه داشتم. همان اوایل بود که فکر می‌کردم خیلی باید من را تحویل بگیرند. وقتی وارد بیت شدم در همان نگاه اول آقای بیابانکی گفت شما خانم نکته حسینی هستید؟ گفتم بله. گفت از چهرات شناختمت. من خوشحال شدم. با خودم گفتم این من را می‌شناسد. برای من حس خیلی خوبی بود. از نظر حسی و سلامتی در وضعیت بدی بودم. اما رو حیه گرفتم. این شعر خواندن در حضور بزرگ‌ترین رجل سیاسی کشور، کسی که شاعر است، در مورد سینما اطلاعات زیادی دارد، با دانشجویان و با هنرمندان برنامه می‌گذارد و کنار خوان است، آدمی که وقت می‌گذارد برای مردم خودش. در غم و شادی و هنر آنها و در دانشها و نداشته‌های آنان شریک است؛ آن هم برای منی که کشورم جنگ‌زده است و چنین شخصیتی را کمتر به خودش دیده است، این وضعیت دوست داشتنی بود. خوشحال بودم که آنجا حضور دارم چون دیدن آدمی با این شخصیت و جایگاه خیلی هیجان دارد.

دلبسته یاران خراسانی

علاقه به شعر آزسابقه برگزاری جلسات شعرخوانی در حضور رهبر معظم انقلاب به سال‌های بعد از انقلاب محدود نمی‌شود، چنانکه علاقه‌مندی رهبری به شعر و حضور در جلسه شاعران به سال‌های قبل از انقلاب باز می‌گردد. نعمت میرزازاده، شاعر و فعال چپ، خاطراتی از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در انجمن‌های ادبی مشهد در دهه ۴۰ نقل کرده است. او در گفت‌وگویی که با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد داشته به حضور رهبری در حلقه شعری در منزل محمود فرخ، ادیب و شاعر خراسانی اشاره کرده است. آنچه می‌خوانید متن تنظیم‌شده این گفت‌وگو است: «در دهه ۴۰ طلاب خوش‌ذوق به جلسات تفسیر قرآن استاد تقی شریعتی می‌آمدند که یکی از آنها آقای خامنه‌ای بود. البته آشنایی نزدیک‌تر من با علی خامنه‌ای به حدود سال‌های ۴۰ باز می‌گردد. چنانچه می‌دانید زمینه سنتی ادبیات ایران در خراسان است. در آن سال‌ها یک انجمن ادبی در منزل آقای محمود فرخ بر پا می‌شد که از همدوره‌های بهار و فروزانفر بودند و بیشتر اشعار کلاسیک در آنجا خوانده می‌شد.» «چون آن موقع‌ها نوجوانان ۲۰ ساله و بیست‌وچند ساله‌ای مثل من و شفیعی کدکنی در آن جلسه شعر حضور داشتیم. در همان اوان شاعری و شهرت و جوانی کارهایی زیادی می‌کردیم. صفحات ادبی داشتیم و انجمن‌هایی بر پا می‌کردیم و نشریه ادبی هم منتشر کردیم. به‌خاطر اینکه فکر می‌کردیم منزل استاد فرخ یک مجلس کلاسیک ادبیات فارسی است، خودمان یک انجمن ادبی راه انداختیم. این اتفاقات به سال‌های ۴۱ و ۴۲ به بعد است. افرادی هم که جمع شدیم بیشتر به جلوه‌های مدرن شعر مثلا نیمایی علاقه داشتیم و در این جلسات پیشنهادهای نیما را جمع به تکمیل وزن در شعر فارسی را در اشعارمان به کار می‌بردیم. آقای علی خامنه‌ای از رهگذر آشنایی که با تک‌تک ما از مجلس‌های درس شریعتی داشت به‌عنوان یک طلبه خوش‌لباس و خوش‌ذوق که شعر را خوب می‌شناسد و اظهار علاقه به شناسایی شعر دارد، در این انجمن‌های ادبی شرکت می‌کرد و به شما بگویم که علی خامنه‌ای ذوقیات ادبی‌اش خوب بود. آقای علی خامنه‌ای زیباترین تک‌بیت‌های صائب را و شعرهای سبک هندی را می‌دانستند.» «زیباترین شعر از شاعران معروف سبک هندی و شاعران دوران صفوی مثل صائب، کلیم و عرفی را همیشه از زبان آقای سیدعلی خامنه‌ای می‌شنیدیم.» «در سال ۱۳۴۳ قرار شد که من و شفیعی کدکنی کتاب شعر امروز خراسان را تالیف کنیم تا در آن کتاب ۵۰۰ ۴۰۰ صفحه‌ای، اشعار شاعران خراسان جمع‌آوری شود. ذوقیات شعر آقای علی خامنه‌ای به گونه‌ای بود که در شمار نامزدهای شاعرانی قرار گرفت که به سراغ ایشان رفتیم و از او شعر خواستیم. به‌